



۱۱

محبوبی، هنرمند پیشکسوت در قرنطینه خانگی مشغول نقاشی است

نقاشی‌هایی پر از اکسیژن

گفت‌وگو با اسماء خواجه‌زاده، مترجم کتاب «شرح صدر»
صدر هنوز هم زنده است



آیا کنسرت‌های رایگان در ایام کرونا واقعا رایگان بوده است؟

صداهای پولکی



۱۱

۱۲

فرهنگ

دوشنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۹ :: شماره ۵۶۸۶



رقابت مارکز و عسکری در امریکبیر!

انتشارات امریکبیر روز گذشته کتاب پرفروش خود در فصل بهار را معرفی کرد. طبق اعلام روابط عمومی این انتشارات، کتاب‌های «خال سیاه عربی» اثر حامد عسکری، «صد سال تنهایی» اثر گابریل گارسیا مارکز و «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» اثر مهدی آذربیدی در رتبه‌های اول تا سوم پرفروش‌های بهار ۹۹ قرار گرفته‌اند. «خال سیاه عربی» که در رتبه نخست فروش بهار ۹۹ انتشارات امریکبیر قرار گرفته از آثار چاپ اول است که در میانه اردیبهشت ۹۹ و اوج بحران کرونا به‌طور مجازی رونمایی شد. این کتاب سفرنامه حج تمتع حامد عسکری به سرزمین وحی است که در کمتر از یک ماه به چاپ پنجم رسید.



پاوه‌نژاد و حرکت در مه

الهام پاوه‌نژاد که احتمالا یکی دو هفته آینده نمایش «کافه پولشری» را اجرا می‌کند، معتقد است که اجرای نمایش در روزگار کرونایی مانند حرکت در مه است؛ پر از زیبایی و دلشوره. او درباره فروش این نمایش به ایسنا گفت: پیش‌بینی‌مان این است که به لحاظ مالی، بازگشت خوبی نخواهیم داشت اما صادقانه بگویم بیش از هر چیز از نظروانی نیاز داریم بر این ترس غلبه کنیم و با حفظ موارد ایمنی و بهداشتی، کارمان را از سر بگیریم. بنابراین برای ما مهم این است که از احساس افسردگی، نومیدی و خمودگی که همه ما را به نوعی درگیر کرده، رهایی یابیم. این هنرمند درباره پیش‌بینی‌اش از حضور تماشاگران نیز توضیح داد: این اجرا مانند حرکت در مه می‌ماند. نمی‌گویم مانند تونل چون خیلی تیره و تاریک است ولی به هنگام حرکت در مه در عین زیبایی، اضطراب ندیده‌ها داریم.

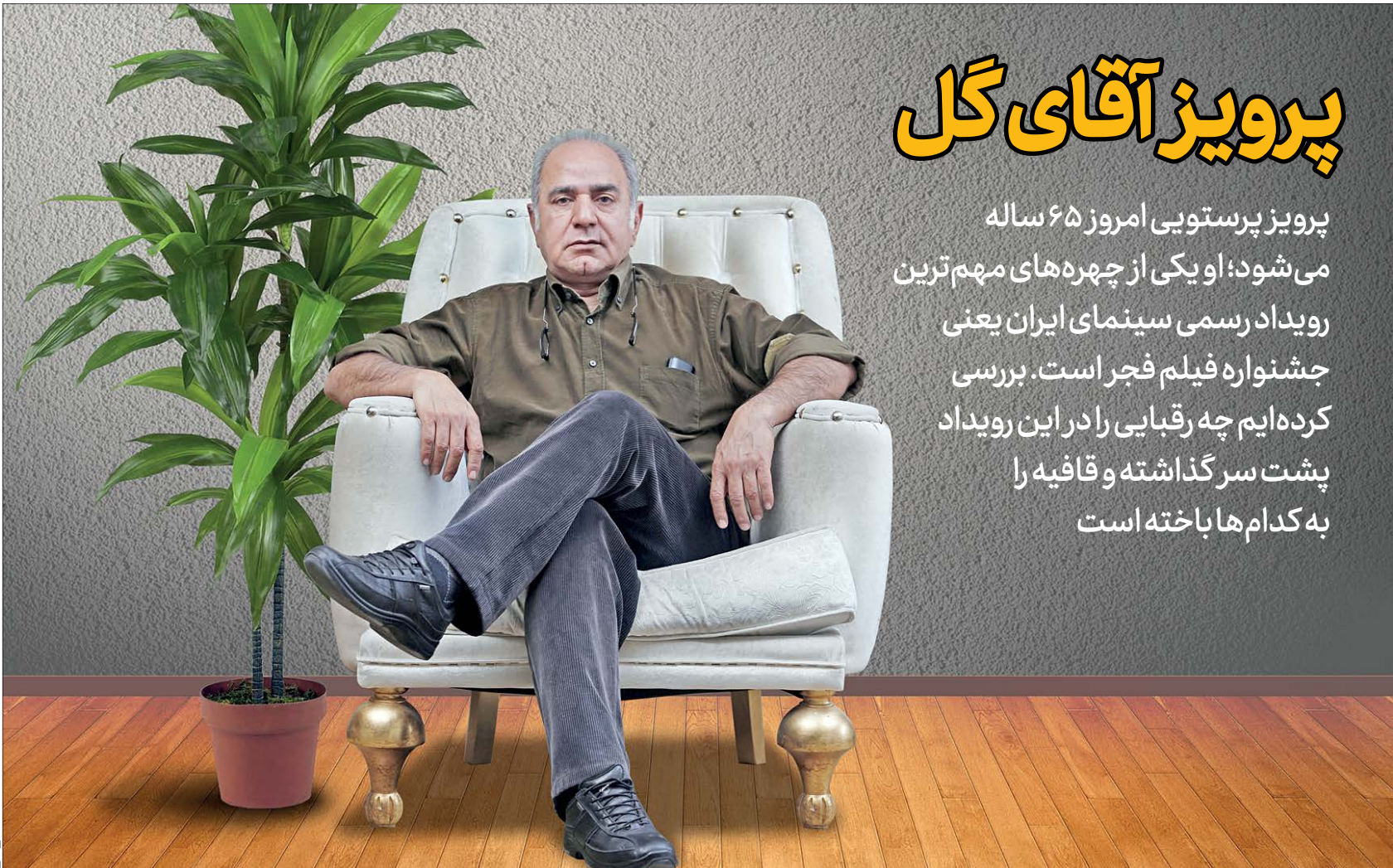


«آقازاده» با صدای زندگی

سریال «آقازاده» با طراحی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی حامد عنقا و کارگردانی بهرنگ توفیقی به‌زودی توزیع خود را آغاز خواهد کرد. سریالی که به نظر می‌رسد به یکی از سریال‌های جنجالی شبکه نمایش خانگی تبدیل شود. آن‌طور که روابط عمومی این سریال اعلام کرده قرار است علی زندوکیلی چند قطعه برای این مجموعه بخواند. وی در سریال تازه حامد عنقا نیز قطعاتی را اجرا می‌کند. زندوکیلی تیتراژهای مختلفی در تلویزیون کار کرده که نامزدی را در بخش بهترین ترانه‌تیتراژ در جشن حافظ به همراه داشته است.



پرویز پرستویی در آستانه ۶۵ سالگی وضعیت دوگانه‌ای دارد؛ همچنان محبوب است و همچنان مورد انتقاد



پرویز آقای گل

پرویز پرستویی امروز ۶۵ ساله می‌شود؛ او یکی از چهره‌های مهم‌ترین رویداد رسمی سینمای ایران یعنی جشنواره فیلم فجر است. بررسی کرده‌ایم چه رقاباتی را در این رویداد پشت سر گذاشته و قافیه را به کدام‌ها باخته است



صمد و افسانه خواص!



دوم تیر روز تولد صمد بهرنگی است

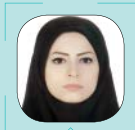
مرگ صمد بهرنگی از بحث‌برانگیزترین مباحث حاشیه‌های ادبیات ماست که همواره نقل محافل بوده و از آن به‌عنوان یک مرگ مشکوک یاد می‌شود. ماجرا از این قرار است که مرگ بهرنگی در نهم شهریور ۱۳۴۷ در رود ارس و در ساحل روستای شام‌گوالیک اتفاق افتاد و جسدش را چند روز بعد در ۱۲ شهریور در نزدیکی پاسگاه کلاله در چند کیلومتری محل غرق‌شدنش از آب گرفتند. او در گورستان امامیه تبریز دفن شده است. ده روز قبل از غرق‌شدن صمد، تعدادی از ماموران ساواک به خانه محل سکونت او هجوم برده و او را تهدید کرده بودند. حدود یک ماه قبل از این حادثه، کتاب «ماهی سیاه‌کچولو» چاپ شده و مورد اقبال در داخل و خارج واقع شده بود.

در داستان‌های بهرنگی، آنچه بیشتر از سایر ابعاد برجسته می‌نماید، خشم فروخورده‌ای است که در بطن داستان‌ها پیداست. بهرنگی از روشنفکرهایی است که فکر می‌کرد با داستان‌هایی که برای کودکان می‌نویسد می‌تواند جهان تازه‌ای را با ساختن نسل جدید بیافریند، اما واقع‌گرایی نکته‌ای است که انگار ذهن و زبان نسل روشنفکر داستان نویسی از آن تهی است. تصویری که در کافه‌های روشنفکری آن زمان تهران به اذهان هنرمندان خطور می‌کرد و بر پایه آن سودای فتح جهان را داشتند، غالباً به صحنه جامعه که کشیده می‌شد پاسخی نمی‌گرفت و با کوچک‌ترین سوالاتی مبنای آن تفکرات متزلزل می‌شد.

درباره مرگ بهرنگی دو نظریه وجود دارد. برخی معتقدند که او به دست عوامل دولت پهلوی (ساواک) کشته شده است و برخی دیگر معتقدند مرگ صمد به‌خاطر بلندنبودن شنا در رود ارس رخ داده است. اولین کسی که ادعا کرد صمد کشته شده، جلال آل احمد بود. او در یادداشتی با عنوان «صمد و افسانه عوام» که در سی‌ام آبان ۱۳۴۷ در مجله آرش منتشر شد، ادعا کرد که بهرنگی به مرگ طبیعی از دنیا نرفته است. از قرار معلوم شخصی به نام حمزه فراهانی آن روز همراه صمد بوده. اسد بهرنگی از قول او می‌گوید: «من این طرف بودم و صمد آن طرف‌تر. یک دقیقه دیدم کمک می‌خواهد. هرچه کردم نتوانستم کاری بکنم». سیروس طاهیان در این باره در جایی گفته است: «بهرنگی خواسته بود تنی به آب بزند و چون شنا بلد نبود، غرق شده بود. جلال آل احمد مرگ بهرنگی را مشکوک تلقی کرد اما حرف بهروز دولت‌آبادی برایم حجت بود که مرگ او را طبیعی گفت و در اثر شنا بلدنبودن».

گفت‌وگو با هادی کاظمی به بهانه برگزاری نمایشگاه عکس «برزخ»

چرا عکاسی نکنم؟



ساناز قبری

سینما

هادی کاظمی، بازیگر سینما و تلویزیون ایران سال‌هاست در کنار فعالیت‌های بازیگری، عکاسی می‌کند و معتقد است عکاسی دیگر جزو لاینفک وجودش شده. جهان عکاسی برایش پررنگ و معتقد است عکس لحظاتی را ثبت می‌کند که دیگر نیست. اما چه شد او به عکاسی روی آورد و علاقه او به این هنر از کی آغاز شد. چرا سال‌هاست خیلی بی‌سر و صدا این کار را انجام می‌دهد؟ این پرسشی بود که از هادی کاظمی در زمان گشایش دومین نمایشگاه عکس‌هایش با عنوان «برزخ» پرسیدیم و با او درباره دغدغه‌های ذهنی‌اش در این حوزه به گفت‌وگو پرداختیم.

🗨️ **خاطر هست اولین نمایشگاه عکس‌تان را سال ۱۳۹۰ در سکوت خبری برگزار کردید؛ اما این نمایشگاه‌تان برخلاف قبلی سرو صدای زیادی به پا کرد. در مجموع چه سبکی از عکاسی برایتان جذاب‌تر است؟**

عنوانی که برای نمایشگاه فعلی‌ام انتخاب کردم، «برزخ» است. برزخ از فاصله دو دنیای قبل و بعد می‌گوید، جایی میان گذشته و آینده. گذشته‌ای در زمان وجود دارد که به نظرم این حالت برزخ‌گونه در تمامی عکس‌هایم مشهود است. ما در این نمایشگاه، تصویری از خودروهای فرسوده می‌بینیم؛ خودروهایی که خاطرات بسیاری با خود دارد و حالا در بلا تکلیفی و توقف به سر می‌برد. واقعا نمی‌دانم کدام شاتری که زدم و عکسی که گرفتم برایم جذاب‌تر است. نمایشگاه قبلی‌ام عکس صورت‌های تکیده و زجر کشیده بود و اگر بخواهم با این نمایشگاه قیاس کنم، عکاسی از موجودات زنده یا طبیعت برایم دلچسب‌تر است، اما در مجموع هر هنرمند موظف است دغدغه‌های ذهنی‌اش را با هنرش به مردم عرضه کند و در چنین حالتی دیگر سبک چندان معنایی ندارد.

(می‌خندد) چه سوال سختی! چون معمولاً نمی‌توان یک یا چند عکاس خاص را نام برد. هر عکس خوبی می‌تواند من را برای راهنمایی به سمت سوژه‌هایی بهتر راهنمایی کند. می‌خواهد یک عکس از یک عکاس مشهور باشد یا یک عکس معمولی که با تلفن همراه گرفته شده.

🗨️ **شما از جمله هنرمندان چند وجهی هستید که در چندین شاخه هنری فعالیت می‌کنید. هنرمندانی نظیر شما معمولاً با این انتقاد مواجه می‌شوند که چرا به واسطه شهرت به خود اجازه ورود به عرصه‌های دیگر هنری را می‌دهند و بدون پشتوانه هنری کافی عکاسی می‌کنند.**

من قبل از این که بخواهم وارد حوزه بازیگری شوم، در حوزه تجسمی فعالیت می‌کردم. دیپلم‌م را در رشته گرافیک



کاظمی در افتتاحیه دومین نمایشگاه عکس‌هایش | عکس: آیلنا

گرفتم و عکاسی آنالوگ، نقاشی، مجسمه‌سازی و تصویرسازی کودک انجام می‌دادم و می‌توانم بگویم در مسیر کارهای هنری‌ام به بازیگری رو آوردم. کما این که در افتتاحیه نمایشگاهم، دوستان عکاس و فیلمبردار کاربلدی به تماشای آثارم آمدند و من را در ادامه فعالیت‌م تشویق کردند.

🗨️ **با توجه به نکته‌ای که ذکر کردم، برای برگزاری نمایشگاه‌تان با موانع و مشکلاتی مواجه نشدید؟**

ببینید، من هم در معرض نقدهایی که به آن اشاره کردید بودم، اما مسئله اینجاست که من تغییر حوزه ن‌دادم. سال‌ها پیش با وسواس کامل با دوربین آنالوگ عکاسی می‌کردم و اساساً درخت هنر شاخه‌های گسترده‌ای دارد. کسی که دچار هنر شده باشد، چرا نباید به شاخه‌های مختلف آن ورود کند؟ یا اگر بخواهم به شکلی دیگر برایتان توضیح دهم، چه اشکالی دارد اگر مثلاً ورزشکاری در خود استعداد هنری می‌بیند و به آن ورود کند؟ شما اطمینان داشته باشید هر انسانی در هر حوزه‌ای اگر استعداد و پشتکار نداشته باشد به خودی خود حذف می‌شود. ما چه کاره‌ایم که اجازه ندهیم انسان‌ها خلایق و توانایی‌هایشان را در عرصه‌های مختلف امتحان نکنند؟ من خودم سال‌هاست که هنرهای مختلف را تجربه کرده‌ام و به هیچ وجه از کاری که انجام داده‌ام، پشیمان نیستم.

🗨️ **تجربه برگزاری نمایشگاه عکاسی در خارج از ایران هم داشته‌اید؟**

خیر، هر دو نمایشگاهم را در ایران برگزار کردم. 🗨️ **تا امروز استقبال از نمایشگاه‌تان چطور بوده و**

چقدر به انگیزه‌هایتان برای ادامه عکاسی کمک کرده؟

خب من نمایشگاهم را خیلی جمع و جور و خودمانی در کافه-گالری ماهور که بخشی از آن متعلق به خودم است، برگزار کردم. واقعیتش را که بخواهید هدفم صرفاً نمایش عکس‌هایم نبود و در کنار آن قصد معرفی کافه-گالری‌ام را هم داشتم. افتتاحیه این نمایشگاه با رعایت پروتکل‌های کامل بهداشتی برگزار شد و دوستان بسیاری از جمله محمود کلاری، نادر داوودی، پانته‌آ پناهی‌ها، محراب قاسم‌خانی، محمدرضا علیمردانی، مستانه مهاجر، نقیسه روشن، ایمان یزدی، شهرام نجاریان و عباس حبیبی در آن حضور داشتند که برایم بسیار خوشایند است.

🗨️ **بنابراین در آینده باز هم باید منتظر نمایشگاه عکاسی از شما باشیم؟**

هر جایی که می‌روم دوربین جزو لاینفک وسایل من است. به نوعی همراه دائمی‌ام است. عکاسی بسیار دقیق و لحظه‌ای است؛ به این معنا که شما تصویری را در لحظه‌ای ثبت می‌کنید که قبل و بعد از آن ممکن است هر اتفاقی بیفتد، اما شما آن لحظه به خصوص را انتخاب کرده‌اید و شاید مهم‌ترین تفاوت عکاسی با دیگر هنرها همین ثبت تک و جزئی یک واقعیت باشد؛ واقعیتی که هر کسی می‌تواند درباره قبل و بعد وقوع آن دیدگاه و تفسیرش را داشته باشد. حتماً دوباره نمایشگاه عکس برگزار می‌کنم، اما این را که نمایشگاه بعدی‌ام چه سوژه‌ای دارد را نمی‌دانم. ولی به خوبی این را می‌دانم که با توجه به بازخوردهایی که از نمایشگاه «برزخ» گرفتم، نمایشگاه بعدی‌ام بسیار با کیفیت‌تر است.